

فرهنگ سہ زبانہ اصطلاحات،
ضرب المثل ها و کنایہ ها در زبان لاری
(لاری - فارسی - انگلیسی)

دکتر لیلا دیانت

فرهنگ سه‌زبانه اصطلاحات،
ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها در زبان لاری
(از فلسفه تا انگلیس)

دکتر لیلا دیانت



تهران، ۱۴۰۱

سرشناسه	: دیانت، لیلا، ۱۳۵۹-
عنوان و نام پدیدآور	: فرهنگ سه‌زبانه اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها در زبان لاری (لاری - فارسی - انگلیسی) / لیلا دیانت.
مشخصات نشر	: تهران: بوی کاغذ، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری	: ۳۰۰ ص.: جدول؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-622-6070-53-9
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	
یادداشت	: زبان: فارسی -- لاری -- انگلیسی.
موضوع	: ادبیات عامه لاری
موضوع	: Folk literature, Lari
موضوع	: لاری -- اصطلاح‌ها و تعبیرها
موضوع	: Lari dialect -- Terms and phrases
موضوع	: فارسی -- واژه‌نامه‌ها -- لاری
موضوع	: فارسی -- واژه‌نامه‌ها -- انگلیسی
رده‌بندی کنگره	: PIR۳۲۸۶
رده‌بندی دیویی	: ۸۹۹/۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۹۴۸۹۷۳

تهران، خیابان شهید مطهری، خیابان سلیمان‌خاطر، کوچه مسجد، پلاک ۱۹،



طبقه اول، واحد سه، کدپستی: ۱۵۷۸۷۱۵۹۱۴

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۱۹۱۶۴ تلفن همراه: ۰۹۲۱۲۵۷۶۵۹۳

تارنما: www.booka.ir

رایانامه: info@booka.ir

فرهنگ سه‌زبانه اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها در زبان لاری

(لاری - فارسی - انگلیسی)

دکتر لیلا دیانت

چاپ و صحافی: هنگام

مدیر تولید: احمد رمضانی

چاپ: اول، ۱۴۰۱

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۷۰-۵۳-۹

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۸,۰۰۰ ریال

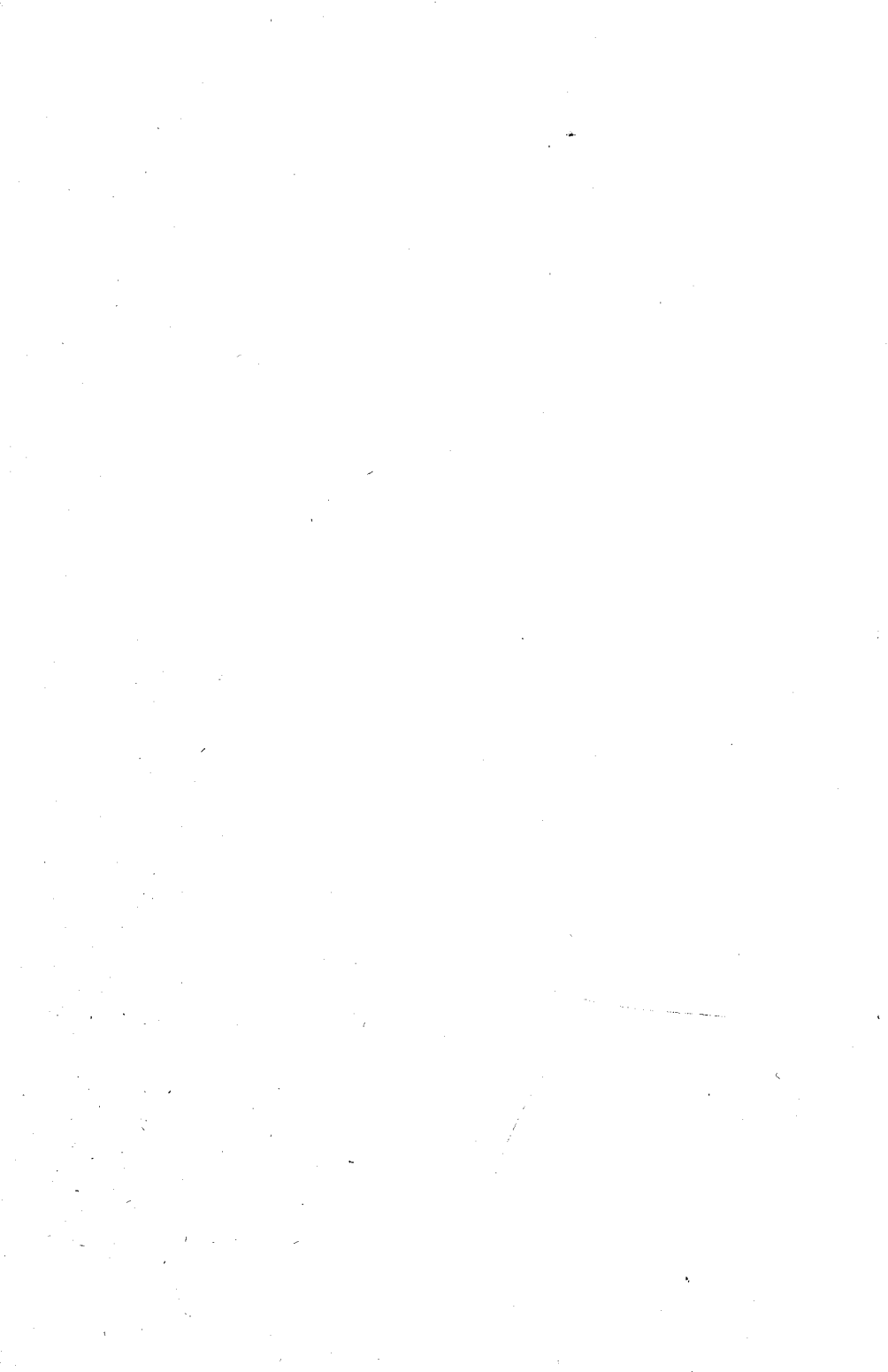
همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

تقدیم به همه کویثوران زبان لاری که به داشتن این زبان افتخار می کنند
و در حفظ آن می کوشند.

با سپاس فراوان از، همسر صبور و بزرگوارم
که از ابتدای متلع کارشناسی تا به امروز همواره شوق، حامی و پشتیبانم بودند
و با شکر از فرزندان دلبندم متی و حسین

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۱۷	 فهرست نشانه‌های آوانگاری
۱۹	 فهرست نشانه‌های به کار رفته در فرهنگ
۲۱	 اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌های لاری - الف - ی
۲۸۹	 فهرست منابع
۲۹۱	 فهرست واژه‌های پایه



مقدمه

رابطه بین زبان، گویش و لهجه یکی از مفاهیم اساسی در زبان‌شناسی، به ویژه در زبان‌شناسی اجتماعی است. با توجه به تنوع زبانی در ایران و اهمیت مطالعه زبان‌ها و گویش‌های در خطر، توصیف و شناسایی آنها اهمیت زیادی دارد. کلباسی (۱۳۷۰) بیان می‌کند که زبان عبارتست از یک نظام صوتی قراردادی که بوسیله دستگاه گفتار آدمی تولید می‌شود و افراد جامعه آن را برای ارتباط با یکدیگر به کار می‌برند. هر زبان در طول تاریخ تحت تأثیر عوامل جغرافیایی، فرهنگی، برخورد زبان‌ها و جز آن دستخوش دگرگونی‌های فراوانی می‌شود که در نتیجه گونه‌ها و صورت‌های متفاوتی از آن پدیدار می‌شود که این گونه‌ها و صورت‌های مختلف را لهجه و گویش می‌نامند. مدرسی (۱۳۶۸) معمول‌ترین معیار زبان‌شناسی برای تشخیص زبان از گویش را قابلیت فهم متقابل می‌داند. بر اساس همین معیار، دبیرمقدم (۱۳۸۷) تعریف جامعی از زبان، گویش و لهجه ارائه کرده است. وی (همان) معتقد است که دو گونه زبانی که سخنگویان آن فهم متقابل ندارند، زبان‌اند؛ دو گونه زبانی که سخنگویان آن فهم متقابل دارند؛ اما بین آن دو گونه تفاوت آوایی، واجی، واژگانی یا دستوری مشاهده می‌شود، گویش است و دو گونه زبانی که سخنگویان آن فهم متقابل دارند؛ اما بین دو گونه تفاوت آوایی و (واجی) دیده می‌شود، لهجه است.

بنابراین بر اساس معیار فهم متقابل، زبانی که گویشور لاری به آن تکلم می‌کند، برای یک فرد غیرلاری‌زبان قابل فهم نیست. از طرفی، نظام دستوری فارسی و لاری تفاوت‌های بسیار بنیادی دارد؛ از این رو لاری را باید زبان نامید (دبیرمقدم؛ ۱۳۸۷: ۲۳). مالچانوا^۱ (۱۹۸۲) اولین زبان‌شناسی است که واژه زبان را برای زبان لاری به کار برده است.

رابطه زبان و هویت

زبان جزء جدایی‌ناپذیر زندگی بشر است؛ انسان با زبان ارتباط برقرار می‌کند؛ احساسات و عواطفش را بروز داده و موجبات آرامش و نشاط خویش و اطرافیانش را فراهم می‌آورد و حتی در قالب زبان به تفکر و اندیشه می‌پردازد؛ زبان شکل‌دهندهٔ اندیشه است و با ابزار زبان می‌توان به بیان اندیشه پرداخت. در این راستا با تغییر و تحول یک زبان، باید تغییر و تحول در اندیشه را نیز انتظار داشت.

رابطهٔ زبان و هویت نیز یکی از مباحث مورد توجه روشنفکران ایرانی در دهه‌های اخیر بوده است. هویت عامل پیوند و وحدت یک جامعه است. یکی از ارکان اصلی هویت، زبان است. زبان رابطهٔ تنگاتنگی با هویت برقرار می‌کند و جزء لاینفک آن محسوب می‌شود (مرور؛ ۱۳۸۳: ۳۶). زبان بیانگر هویتی است که ریشه در تاریخی دراز دارد که در آن می‌توان رد پای اندیشه‌های فلسفی، اسطوره‌ای، دینی و مذهبی را مشاهده کرد. به عبارتی دیگر، زبان موجب انسجام و استحکام ریشه‌های فرهنگی، تاریخی و سنن و آداب مشترک می‌شود.

از طریق زبان می‌توان به فرهنگ جامعه‌ای دست یافت؛ به طوری که گفته‌اند زبان یک ملت کلیدی است که با استفاده از آن می‌توان فرهنگ آن ملت را شناخت (محسنی؛ ۱۳۷۰: ۱۱۷) و مرگ هر زبان به معنای مرگ مجموعه‌ای از فرهنگ، تاریخ و آداب و سنن گروهی از انسان‌هاست و اگر زبان یک قوم و ملت از بین رود تمام فرهنگ و آثار فرهنگی آن دچار تزلزل می‌شود. داوری (۱۳۸۲: ۷) معتقد است که ارتباط ما با سنت از طریق زبان صورت می‌گیرد و هویت نیز با زبان معنی پیدا می‌کند؛ وقتی زبان آشفته شود، ارتباط با سنت نیز قطع می‌شود.

زبان لاری

زبان لاری شاخه‌ای از زبان پهلوی است که در محدودهٔ زبان‌های ایرانی جنوب غربی قرار دارد. وثوقی (۱۳۸۰: ۳۹) معتقد است که علاوه بر شهرستان لارستان در جنوب استان فارس، بخش‌های دیگر این استان از جمله خنج، گراش، قسمت‌هایی از لامرد از جمله اشکنان، اسیر، آهل و مناطق وسیعی از استان هرمزگان (بخشی از بندرعباس،

تمامی بندر لنگه، بستک، فرامرزان) و حتی طبق گفته خنجی (۲۰۰۹: ۱۵) این زبان در قسمت‌هایی از امارات متحده عربی از جمله قطر، بحرین، کویت، عمان گویشور دارد. علاوه بر زبان لاری که مردم شهر لار (بخش مرکزی شهرستان لارستان) به آن صحبت می‌کنند، این زبان بر اساس پژوهش‌های سلامی (۱۳۸۳) متشکل از بیست و یک گویش از جمله گویش اوزی، خنجی، گراشی، اشکنانی، فدائی، اسیری، بستکی، اهلی، بنارویی، فیشوری و غیره است.

امروزه در فضای مجازی و حتی در بین برخی افراد، کاربرد واژه «زبان اچمی» به جای زبان لاری مصطلح شده و رواج یافته است؛ در حالی که بر اساس تحقیقات تاریخی و زبان‌شناسی صورت گرفته، واژه زبان اچمی هیچ پیشینه تاریخی و هیچ سندیتی ندارد و کاربرد این واژه کاملاً نادرست است. شاید یکی از دلایل ساخت این واژه، وجود واژه «اچم» به معنای «رفتن» با تلفظ‌های متفاوت در گویش‌های مختلف زبان لاری است؛ اما باید این نکته را مدنظر داشت که نام یک زبان نمی‌تواند برگرفته از یک فعل باشد؛ بلکه نام زبان‌ها معمولاً از نام سرزمین یا قومیت و ملیتی نشأت می‌گیرد. دلیل دوم، وجود برخی تعصب‌های بی‌پایه و اساسی است که برخی افراد نسبت به واژه زبان لاری دارند و معتقدند که این زبان تنها متعلق به شهر لار و بخش مرکزی نیست و باید از واژه‌های استفاده شود که دربرگیرنده کل شهرستان باشد و برای همین ندانسته و از روی غفلت از واژه زبان اچمی استفاده می‌کنند. ردپای دلیل دیگر استفاده از این واژه را می‌توان در خلیج فارس یافت. زمانی که اعراب در خلیج فارس می‌خواستند لارستانی‌ها را با تحقیر خطاب کنند از این واژه استفاده می‌کردند و اثر این نامگذاری تحقیرآمیز تا به امروز هم در جای جای جنوب و کشورهای ایالات متحده عربی از جمله دبی، کویت، قطر و ... باقی مانده است.

افزون بر این، استفاده از واژه «زبان لارستانی» به جای زبان لاری نیز صحیح نیست؛ زیرا پسوند «-ستان» پسوند مکان‌سازی است که به اسم افزوده می‌شود و واژه‌هایی مانند کودستان و دشتستان را می‌سازد. بنابراین، در زبان فارسی از این پسوند برای ساخت نام‌های زبان‌های ایرانی استفاده نمی‌شود. در تأیید این ادعا می‌توان به زبان لری و کردی اشاره کرد. در این زبان‌ها به جای زبان لری از واژه زبان لرستانی و به جای واژه زبان

کردی از واژه زبان کردستانی استفاده نمی‌شود. همچنین واژه «لارستان» به عنوان نام مکان، به عنوان صفت نیز به کار نمی‌رود؛ به عنوان مثال همانگونه که کاربرد واژه لارستانی به جای لاری به عنوان صفت در گروه اسمی «مسقطی لاری» یا «کباب لاری» صحیح نیست و نامأنوس به نظر می‌رسد، استفاده از این واژه همراه با نام زبان نیز مناسب نیست.

برخی افراد با استناد به اقتداری (۱۳۷۱) و دبیرمقدم (۱۳۸۸) معتقدند که واژه «زبان لارستانی» صحیح است. در پاسخ به این افراد باید متذکر شد که اقتداری (۱۳۷۱) در کتاب خود حدود پنج هزار واژه از شش گویش زبان لاری را جمع‌آوری کرده است. انتخاب واژه زبان لارستانی به جای لاری شاید به این دلیل بوده که مشخص شود واژه‌های این کتاب تنها دربرگیرنده واژه‌های بخش مرکزی شهرستان لارستان نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از واژه‌های شش گویش زبان لاری است. یکی از منابع دبیرمقدم (۱۳۸۸)، داستان‌ها و مثال‌های اقتداری (۱۳۷۱) است و به نظر می‌رسد که دبیرمقدم (۱۳۸۸) نیز به تبعیت از اقتداری (۱۳۷۱) از این واژه را برگزیده است.

زبان لاری شامل ۲۲ همخوان، ۱۳ واکه ساده و سه واکه مرکب است. همخوان‌های این زبان عبارتند از: /b, č, d, f, g, r, ĵ, k, x, l, m, n, p, q, r, s, š, t, v, y, z, ž/.

همخوان‌های زبان لاری مانند همخوان‌های زبان فارسی است؛ با این تفاوت که همخوان «/h/» در زبان لاری وجود ندارد. به عنوان مثال واژه «هشت» در زبان لاری به صورت «/ašt/» تلفظ می‌شود. به همین دلیل برخی لاری‌زبانان علی‌الخصوص سالمندان شهر لار، حتی در بیان همخوان «/h/» در واژگان فارسی هم مشکل دارند و این همخوان را تلفظ نمی‌کنند. لیکن، این همخوان در برخی از گویش‌ها و لهجه‌های زبان لاری مانند گویش اوزی و خنجی تلفظ می‌شود. همچنین در زبان لاری همخوان «/q/» وجود دارد که نوعی همخوان ملازی انسدادی واکدار است و در واژگانی مانند «/qas/» به معنی «تیت» به کار می‌رود؛ اما در برخی از گویش‌های زبان لاری از جمله گویش گراشی این همخوان وجود ندارد و به جای آن از همخوان «/k/» استفاده می‌شود. برای مثال، «/qas/» به معنی «تیت» در گویش گراشی به صورت «/kas/» بیان می‌شود. به همین خاطر برخی از این گویشورها نیز در تلفظ واژگان فارسی که

همخوان «/q/» دارند با مشکل روبه‌رو هستند. واکه‌های زبان لاری شامل واکه‌های /ā, ā:, a, a:, e, e:, i, i:, o, o:, u, u:, ũ/ است. واکه «/ū/» در زبان لاری که در تلفظ واژه‌هایی مانند «/ū/» به معنی «صورت؛ روی چیزی» و «/pūl/» به معنی «پول» به کار می‌رود، در زبان فارسی وجود ندارد؛ اما نظیر این واکه را در زبان فرانسه می‌توان یافت. این واکه در برخی از گویش‌های زبان لاری وجود ندارد و به جای این واکه از واکه‌های «/e/»، «/i/» یا «/u/» استفاده می‌شود؛ به عنوان مثال، «/pūl/» در این گویش‌ها به صورت «/pil/» بیان می‌شود. همچنین، در این زبان سه واکه مرکب وجود دارد که عبارتند از: واکه مرکب «/aw/» برای مثال در «/šaw/» به معنای «شب» و «/xaw/» به معنای «خواب»؛ واکه مرکب «/ay/» در واژه‌هایی مانند «/bayla/» به معنای «گروه، دسته»؛ و واکه مرکب «/oy/» در واژه‌هایی مثل «/axoy/» به معنی «می‌خورد» کاربرد دارد.

راهنمای آواهای زبان لاری همراه با مثال و معادل فارسی و انگلیسی آن در «فهرست نشانه‌های آوانگاری» در بخش بعد ارائه شده است.

راهکارهایی جهت حفظ زبان لاری

زبان لاری نیز همانند سایر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی گنجینه‌ای از واژه‌های متنوع و منبع بسیار مهمی در پژوهش‌های تاریخی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و به ویژه زبان‌شناسی است؛ اما متأسفانه این زبان غنی و ارزشمند توسط اطلس زبان‌های در خطر یونسکو به عنوان یکی از زبان‌های در خطر معرفی شده است.

امروزه، متأسفانه برخی از والدین معتقدند که آموختن زبان بومی لاری به فرزندان باعث می‌شود که آنان در دوران تحصیل با مشکل مواجه شوند و نتوانند به خوبی فارسی صحبت کنند. باید به این والدین یادآور شد که فراگیری زبان لاری و زبان فارسی منافاتی با یکدیگر ندارد و مانع پیشرفت و افت تحصیلی فرزندان نیست؛ بلکه دوزبانی کودکی فی‌نفسه پدیده‌ای مثبت است که می‌تواند در پرورش توانایی‌ها و استعدادها بالقوه کودک مؤثر و مفید باشد (نیلی‌پور، ۱۳۹۰). همچنین برخی والدین تصور می‌کنند که زبان فارسی برتر از زبان لاری است و صحبت کردن به آن را نشانهٔ موقعیت اجتماعی بالا

می‌دانند و از اینکه فرزندان‌شان لاری صحبت کنند، خجالت می‌کشند. حتی برخی از افراد جامعه لاری‌زبان به کودکی که به زبان لاری صحبت می‌کند، نگاه تحقیرآمیزی دارند. در اینجا نیز باید این نکته را متذکر شد که از نظر زبان‌شناسی هیچ زبانی بر زبان دیگر ارجحیت ندارد؛ بویژه این که زبان مادری آیینۀ فرهنگ، تمدن، ذهن و فکر هر جامعه است. زبان مادری کودک را با فرهنگ جامعه‌ای که از آن برآمده است و هویتش در آن شکل گرفته است، پیوند می‌دهد. کودکی که زبان مادری‌اش را نداند از اثرگذارترین و کارآمدترین ابزاری که می‌تواند با استفاده از آن در دامن فرهنگ تربیت یابد، محروم می‌ماند. نادیده گرفتن زبان مادری کودکان حاصلی جز سست کردن هویت فردی، قومی و بومی نخواهد داشت.

بنابراین، والدین باید از همان دوران کودکی فرزند خود را با زبان لاری آشنا کنند و به او اعتماد به نفس دهند که با این زبان صحبت کند. اگر والدین بدون در نظر گرفتن حواشی، زبان لاری را به فرزندان خود بیاموزند، نه تنها توانایی ذهنی فرزندان تقویت می‌شود؛ بلکه زبان لاری که گنجینه ارزشمندی از پژوهش‌های تاریخی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و زبان‌شناسی است، حفظ خواهد شد. در ادامه، راهکارهایی جهت حفظ و نگهداری این زبان پیشنهاد می‌شود:

- مطبوعات بومی در هر شماره، بخشی را برای ترویج زبان لاری اختصاص دهند.
- اجرای برنامه‌های مختلف و جنگ‌های شاد در مکان‌های عمومی به مناسبت‌های مختلف ضرورتاً به زبان لاری باشد.
- شعر، داستان، سرود، ترانه، آواز، مداحی به زبان لاری نوشته شود.
- آموزش و پرورش در یک برنامه مدون، معلمان لاری‌زبان را تشویق به استفاده از این زبان در محیط آموزشی نماید و حتی زنگ‌هایی از مدارس به این زبان اختصاص یابد.
- طبق اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸، خط و زبان رسمی مردم ایران، فارسی است؛ ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد و بلامانع اعلام شده است.

- در ادارات دولتی و جلسات رسمی بخشی از زمان به زبان لاری گفت‌وگو شود.
- صاحبان مشاغل در نامگذاری مغازه‌ها، کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و ... از واژگان لاری استفاده کنند.
- از نویسندگان در تألیف و چاپ کتب‌هایی در زمینه زبان لاری که با معیار علمی زبان‌شناسی نوشته شود، حمایت شود.

بنابراین باید در راستای ثبت بیشتر زبان مادری و نیز جلب توجه دیگر زبان‌شناسان به زبان‌های اقلیت و در معرض خطر این سرزمین پهناور گامی مؤثر برداشت. بدیهی است عدم توجه کافی به این زبان به معنای از دست دادن بخش مهمی از منابع و از همه مهم‌تر از دست دادن هویت قومی و محلی است. به همین دلیل ضرورت ثبت علمی و مطالعات زبان‌شناسی این زبان بیش از پیش اهمیت می‌یابد. یکی از این موارد گردآوری و ثبت ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات، کنایه‌ها و عبارات زبان لاری است که علاوه بر تلاش برای حفظ این زبان، می‌تواند در پژوهش‌های زبانی آینده و به ویژه در فرهنگ‌نویسی مورد استفاده قرار گیرد. ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات، کنایه‌ها غنای فکری، فرهنگی و زبانی گویشوران این زبان را به تصویر می‌کشد و نمود آداب و رسوم، فرهنگ، باور، تاریخ و بصیرت یک ملت و بخشی از گنجینه‌های فکری و فرهنگی هر قوم و ملتی است.

نداشتن خط و مشکلات نوشتاری زبان لاری با حروف فارسی

زبان مفهومی مجرد و انتزاعی است که به دو صورت گفتار یا نوشتار نمود عینی می‌یابد. هنگامی که زبان علاوه بر حالت گفتاری، صورت نوشتاری نیز داشته باشد امکانات تازه‌ای برای انباشته شدن فرهنگ پدید می‌آید و رشد فرهنگی سریع‌تر می‌شود (قمری و حسن‌زاده؛ ۱۳۸۹: ۱۶۶). اما یکی از مسائلی که در مورد زبان لاری باید مورد توجه قرار گیرد، نداشتن خط است. برای ثبت و نگارش زبان‌هایی که خط ندارند از روش آوانگاری استفاده می‌شود، یعنی واژه‌ها به همان صورتی که تلفظ می‌شوند با استفاده از علائم قراردادی ثبت زبان‌ها نوشته می‌شوند؛ اما از آنجایی که این گونه نگارش برای بسیاری از افراد مشکل است به ناچار در فضای مجازی و حتی در نگارش اشعار و نوشته‌های لاری از حروف فارسی استفاده می‌شود که این گونه نگارش خالی از اشکال نیست.

دلیل نخست این است که نوشته‌ها در زبان لاری باید اعراب‌گذاری شود تا برای خواننده قابل فهم باشد که این امر مستلزم صبر و حوصله نویسنده است، به ویژه در مورد واژه‌های هم‌نویسه یا جناس خط، خواندن و تشخیص واژه‌های بدون اعراب مشکل‌تر است؛ به عنوان مثال، در دو واژه هم‌نویسه «کَنگ /kang/» به معنی «بغل» و «کُنگ /kong/» به معنی «نوعی دسر محلی لاری»، تفاوت در اعراب تفاوت معنایی را موجب می‌شود.

دلیل دوم اینکه در زبان لاری بخش مرکزی شهر لار صدای «h/» وجود ندارد؛ به عنوان مثال، واژه «تنها» به صورت «/ta:nā/» یعنی با فتحه کشیده در زبان لاری بیان می‌شود و این همخوان نیز تلفظ نمی‌شود. اگر به همان صورتی که در لاری تلفظ می‌شود، می‌توان با حروف فارسی به صورت «/تَنّا/» نوشت که در این صورت نمی‌تواند مبین تلفظ صحیح این کلمه در لاری باشد؛ چون صدای کشیده فتحه را با حروف فارسی نمی‌توان نشان داد و اگر به شکل «/تنها/» نوشته شود باز صحیح نیست؛ زیرا در لاری «h/» تلفظ نمی‌شود. اما این نوع تلفظ را با آوانگاری یا واج‌نگاری به راحتی می‌توان نشان داد.

دلیل سوم، و دنبالهٔ دلیل قبلی، این است که برخی از واژه‌ها در زبان لاری به صورت کشیده هستند و اگر کشیده ادا نشوند معنی آنها متفاوت می‌شود که نشان دادن این کشش با حروف فارسی ممکن نیست. در عین حال، با استفاده از روش آوانگاری یا واج‌نگاری می‌توان با قرار دادن دو نقطه «:» در کنار حروف صدادار این کشش را نشان داد. به عنوان مثال، «/xe:t/» در لاری به معنی «نوعی قارچ محلی» است که اگر واکه «/e/» به صورت کشیده ادا نشود؛ یعنی به صورت «/xer/» تلفظ و یا نوشته شود معنی متفاوتی دارد و معادل واژه «گلو» در فارسی است. بنابراین، چگونه با حروف فارسی می‌توان این تمایز واژه‌های کشیده و کوتاه را نشان داد؟

دلیل چهارم، وجود واکه بسته‌گرد پسین «/lā/» در زبان لاری است که معادل آن در زبان فارسی وجود ندارد؛ برای مثال، واژه «پول» در زبان لاری به صورت «/pül/» بیان می‌شود.

بنابراین، با توجه به دلایلی که ذکر شد استفاده از حروف فارسی برای نگارش زبان

فارسی مناسب نیست و بهتر است اشعار و نوشته‌های لاری که با حروف فارسی نوشته می‌شود آوانگاری یا واج‌نگاری شود و سپس گلاسینگ کلمات ارائه شود تا به لحاظ زبان‌شناسی اعتبار یابد.

توضیحاتی درباره کتاب

در این کتاب اصطلاحات، کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌های زبان لاری به دو دسته تقسیم می‌شود. دسته نخست، ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها و اصطلاحاتی که با کمی تغییر در ساختار و یا مفهوم در زبان فارسی نیز به کار می‌رود. دسته دوم، ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها و اصطلاحاتی که فقط در زبان لاری رواج داشته و دارد. همچنین، در این کتاب برخی از عبارت‌های لاری نیز آورده شده که ذکر آن در فواصل این اصطلاحات، کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌ها خالی از لطف نیست. بیشتر داده‌های این کتاب به روش میدانی گردآوری و ثبت شده است. شم زبانی نویسنده به عنوان گویشور بومی این زبان از دیگر منابع گردآوری داده‌های این کتاب بوده است. همچنین اقتداری (۱۳۷۱)، وثوقی (۱۳۶۹)، برخی از نشریه‌ها و سایت‌ها تعدادی از ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها و اصطلاحات زبان لاری را به همراه ترجمه فارسی آن آورده است که بخشی از این کتاب نیز برگرفته از همین منابع است؛ اما از آنجا که نویسندگان این منابع زبان‌شناس نبوده‌اند، این عبارات با حروف فارسی اعراب‌گذاری شده و مهم‌تر اینکه منابع ذکر شده فاقد گلاسینگ می‌باشد.

اصطلاحات، کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌ها در این کتاب بر اساس واژگان مشترکی که دارند به ۵۷ گروه دسته‌بندی شده‌اند؛ مانند اعضای بدن، گیاهان، پرندگان، حیوانات و نظایر آن. دسته‌بندی‌ها به ترتیب حروف الفبای فارسی آورده شده؛ اما چینش این عبارات در هر دسته به ترتیب آواهای انگلیسی است. برخی از این عبارات که حاوی چندین واژه مشترک است با توجه به اولین واژه مشترک در هر دسته قرار گرفته‌اند؛ اما در دسته‌های دیگر فقط قسمت لاری آن آورده شده و توضیحات کامل آن به دسته اصلی ارجاع داده شده است. هر ضرب‌المثل یا اصطلاح در سطر اول با توجه به زبان لاری که در بخش مرکزی شهرستان لارستان (شهر لار) صحبت می‌شود نوشته شده است، در سطر دوم گلاسینگ فارسی آن و در ادامه، معادل و یا ترجمه آن به زبان‌های فارسی و انگلیسی

آن آورده شده است.

خدا را سپاس که عنایت فرمود گامی در جهت ثبت گوشه‌ای از زبان مادری‌ام بردارم. امیدوارم که این کتاب منبع مفیدی برای نسل‌ها و پژوهش‌های آینده، به ویژه پژوهش‌های زبان‌شناسی باشد.

لیلا دیانت

دکتری زبان‌شناسی

پژوهشگر و مدرس دانشگاه

فهرست نشانه‌های آوانگاری

معنای انگلیسی	معنای فارسی	مثال	حرف الفبا/ نشانه در خط فارسی	نشانه آوانگار در زبان لاری
Uncle	دایی	Āddā	آ	Ā / ā
Red	قرمز	Ā:l	آ کشیده	Ā: / ā:
Outside	بیرون	Adar	اَ	A / a
Bath	حمام	A:mum	اَ کشیده	A: / a:
This	این	Ede	اِ	E / e
Let	اجازه دادن	E:šta	اِ کشیده	E: / e:
Firewood	هیزم	Ima	ای کوتاه	I / i
Peeping Tom	چشم چران	I:z	ای کشیده	I: / i:
Date	خرما	Ormā	اُ	o
Yes	بله	O:	اُ کشیده	o:
Salt	نمک	Tum	او	u
Beautiful	زیبا	Ju:	او کشیده	u:
Money	پول	Pül	اوو	ü
Eyebrow	ابرو	Borm	ب	B / b
Eye	چشم	Čaš	چ	č
Sister	خواهر	Dada	د	D / d
Date palm	درخت نخل	Fasil	ف	F / f

معنی انگلیسی	معنی فارسی	مثال	حرف الفبا/ نشانه در خط فارسی	نشانه آوانگار در زبان لاری
Cry	گریه	Gerix	گ	G / g
Obese	چاق	ropak	غ	r
Mortar	هاون	jāran	ج	j
Mouth	دهان	kap	ک	k
Lizard	مارمولک	Leč	ل	L / l
between	وسط	Mā:reka	م	M / m
A kind of mushroom	نوعی قارچ	Xe:r	خ	x
Bread	نان	Nu	ن	N / n
Patch	وصله	Pagva	پ	P
Gutter	ناودان	Račena	ر	R / r
Scale	ترازو	Qapu	ق	Q / q
Inside	داخل	Te(k)	ت/ط	T / t
Distribution	توزیع	Vābaš	و	V
Crooked	کج، مایل	Yala	ی	Y / y
Shin	ساق پا	Zomb	ز/ض/ظ/ذ	Z
He said	گفت	Ožgot	ژ	ž
Ladder	نردبان	Se:	س/ث/ص	s
Bat	خفاش	Šawparak	ش	š
Jaw	فک؛ آرواره	Awvara	او	aw

فهرست نشانه‌های به کار رفته در فرهنگ

دو خط مورب: دربرگیرنده نشانه‌های واج‌نگاری	//
یک خط مورب: یا	/
دربرگیرنده ۱- مقوله دستوری. ۲- توضیح معنایی بیشتر	()
ارجاع به سرواژه دیگر	→
جداکننده تعریف‌های متفاوت؛ جداکننده مثال‌های متفاوت	;
نشانه پیوند از راست یا چپ	-
صورت اولیه	<
واژه‌بست مطابقه با فاعل / عامل	=
اول شخص مفرد	1sg
دوم شخص مفرد	2sg
سوم شخص مفرد	3sg
اول شخص جمع	1pl
دوم شخص جمع	2pl
سوم شخص جمع	3pl

نفی	neg.
نمود ناقص	imperf.
نشانه اضافه	ez
نشانه مشخص‌بودگی	specifi.

آب /aw/

Water

(اسم) ۱- مایعی بی‌رنگ، بی‌بو و بی‌مزه که برای ادامهٔ زندگی موجودات زنده لازم است، به صورت باران می‌بارد و بسیاری از مواد را در خود حل می‌کند. ۲- آب رودها، دریاها و اقیانوس‌ها، منابع آبی زمین. ۳- مایعی که در میوه‌ها یا سبزیجات وجود دارد. ۴- مایعی که از پختن گوشت، سبزی و مانند آن به دست می‌آید. ۵- مایعی که در بخش‌های مختلف بدن مانند دهان، بینی و چشم وجود دارد یا از بدن خارج می‌شود.

واژهٔ /aw/ به معنی «آب» در برخی از گویش‌ها و لهجه‌های زبان لاری مانند گویش اوزی به صورت /ow/ بیان می‌شود.

Ādam-e kenes gaw-e bassak e; aw-e kašeda-e xo nā-xoy

→ «آدم»

Am a xuna-e xāla-m a-čū, am a xar-ü aw a-de

→ «خانه»

A deraxt-e nor aw a-dedā-i

→ «درخت»

A:mum-e aw šata

→ «خانه»

Aw a jārān bo-ko; dassa ož=be-zan

زن-امر=واژه‌بست 3sg دسته ;کن-امر هاون به آب

Referring to the unemployed person who is bored. خطاب به شخص بیکاری که حوصله‌اش سر رفته است.

Aw a kap eškassa

شکستن دهان به آب

My mouth watered. ترشح بزاق دهان با دیدن چیزهای خوشمزه.

Aw a korz-e āxer kata

افتادن آخر ez-کرت در زراعت به آب

His days are numbered. عمر به آخر رسیدن؛ به آخر رسیدن کاری.

Aw a lü-e awz-e por nārizen (<ne-a-riz-en)

3pl-ریز neg-imperf پر ez-حوض ez-رو به آب

Someone who does not need help should not be unreasonably helped. نباید به کسی که به کمک نیاز ندارد، بی‌دلیل کمک کرد.

Aw a lü-e korz-e por a-čü

رود-imperf پر ez-کرت در زراعت ez-رو به آب

Refers to a lucky person who gets a better chance every day. اشاره به کسی که خوش‌شانس است و هر روز شانس بیشتری به او رو می‌کند.

Aw a pa-e gol čed-e

اسم مفعول-رفت گل ez-پا به آب

Refers to being happy and satisfied. کنایه از خوشحال و راضی بودن.

Aw az kap onda

آمدن دهان از آب

I licked my lips. آب دهان سرازیر شدن.

Aw az ke:¹-tar essi

است تر-کوچک از آب

Preference should be given to younger people when drinking water.

ارجح دانستن کوچکترها در موقع نوشیدن آب. در زمان تعارف، ابتدا آب را به کوچکترها می‌دهند و از این عبارت استفاده می‌کنند.

Aw az pas-e aw dā²

gana-tar e

است تر-کثیف می‌آید/ خواهد آمد آب ez-پشت از آب

Recommended to satisfy the current situation.

توصیه به راضی بودن از شرایط کنونی.

Aw az rāvan čarb-tar e

است تر-چرب روغن از آب

It means that the grandchild is more lovable than the child.

فرزند بادامه، نوه مغز بادام.

Aw-e aft časma oš=e

دارد=واژه‌بست 3sg چشمه هفت ez-آب

Refers to someone that is supported by all sides.

کنایه از کسی که از هر سو حمایت می‌شود.

Aw-e ne-talabeda morād a-de

دهد-imperf. مراد طلبیده-neg. ez-آب

This phrase is used when water is brought to someone without request that gives him a good chance.

وقتی که آبی ناخواسته برای کسی آورده شود از این عبارت استفاده می‌شود. (کنایه از به فال نیک گرفتن است).

Aw-e pāki m=a lū das ke

کرد دست روی به=واژه‌بست 1sg تمیزی ez-آب

I gave him a definite answer that no

یعنی به گونه‌ای پاسخش را دادم که دیگر

۱. /ke:-tar/ یا /kay-tar/ شکل کوتاه‌شده /kaydu-tar/ است.

۲. در زبان لاری برای بیان مفهوم زمان آینده، فعل کمکی وجود ندارد؛ بلکه این مفهوم با همان صورت فعل مضارع بیان می‌شود (دبیرمقدم؛ ۱۳۹۲: ۳۸۹).

longer repeated his request. درخواستش را تکرار نکند.

Aw-e šeri ne-mon-e xar e

است خر ez-متعلق به-neg شیرین ez-آب

Not everyone deserve to have anything. هر کسی لیاقت و شایستگی داشتن هر چیزی را ندارد.

Aw š=ā-de-o-taw š=ā-de

ده-امر=واژه‌بست 3sg آفتاب-و-ده-امر=واژه‌بست 3sg آب

This phrase repeated by farmers who were in charge of water distribution and started irrigating the fields at sunrise. گفته رایج بین کشاورزانی است که مسئول تقسیم آب بوده و به هنگام طلوع آفتاب، آبیاری مزارع را شروع می‌کردند.

Aw šal-i oš=ke

کرد=واژه‌بست 3sg نکره-گل آب

He upsets the apple cart. کار را خراب کرد؛ برنامه‌ها را بهم ریخت.

Aw ša=mord e

است مُرد=واژه‌بست 3sg آب

Refers to fruits, vegetables and plants that have withered. اشاره به میوه، سبزی و گیاهی که پلاسیده شده باشد.

Aw šo¹=gop-e yak e

است همدیگر ez-گونه=واژه‌بست 3pl آب

They are hand in glove. دستشان توی یک کاسه است؛ با یکدیگر همدست هستند.

Az aw kašeda

کشیدن آب از

To finish something. کاری را تمام کردن و به سرانجام رسانیدن.

Azbālay gol e ke aw a pa-e rāḡuna a-čū

→ «گل»

۱. به نظر پیش‌افزافه /a/ در آغاز واژه بوده، اما به دلیل مجاورت با واکه واکنار واژه‌بست حذف شده است.

Az varib če gella, az aw-e šür če mazza

مزه چه شور ez-آب از گله و شکوه چه غریب از

توقع نداشتن از کسی که به خیر او امیدی
does not help others. نیست.

Čaš-ot aw-e siyā be-y-ār-e

→ «چشم»

Dega aw a korz-e āxer e

است آخر ez-کرت در زراعت به آب دیگر

It is the final stage of the work. مرحله پایانی انجام کار است.

Eš-e te aw kata e

→ «حشرات»

Gel, nam ož=ded-e-o-aw tamum e

→ «گیل»

Kūzagar aw š=az bokal e

است کوزه شکسته از=واژه بست 3sg آب کوزه گر

The nearer the church, the further
the grace; the shoemaker's wife
goes the worst shod. کوزه گر از کوزه شکسته آب می خورد.

Lanti a-ni grix a-ko, aw a tek-e berix a-ko

کند-imperf. آفتابه ez-داخل به آب کند-imperf. گریه نشیند-imperf. تنبل

It refers to a lazy person. کنایه از انسان تنبل.

Ož=got aw onďā¹-i, ož=got sāeb-e delšüz
š=a-vi

دلسوز ez-صاحب گفت=واژه بست 3sg, 3sg دارد می آید آب گفت=واژه بست 3sg
خواهد-imperf.=واژه بست 3sg

۱. نمود ناقص (imperf.) استمراری در زمان حال در زبان لاری با پسوند /-dā/ ساخته می شود؛ برای مثال:

a-dedā-i «دارد می دهد»

imperf. -ده (استمراری) 3sg

This expression is used when many facilities are not used properly due to the lack of compassionate manager or proper planning.

این عبارت زمانی به کار می‌رود که به دلیل نبودن مسئول دلسوز و یا برنامه‌ریزی صحیح از وفور نعمتی به درستی استفاده نشود.

Pata-e kes-i a aw dada

دادن آب به نکره-کس ez-کارت‌بازی (پاسور)

To reveal the secret; to spill the beans; don't blow the whistle on me.

فاش کردن راز؛ سخن کسی را برملا کردن.

Riš-oš aw ož=bord-e

→ «سایر اعضای بدن»

Š=a lü-e aw-e siyā rasanad-e

اسم مفعول-رسانید سیاه ez-آب ez-رو به=واژه‌بست 3sg

To make somebody bite the dust.

کسی را به روز سیاه نشانیدن.

Šaw a šaw gir ma-ko, aw a tek-e šir ma-ko

→ «شب»

Tā gūsara gaw be-bü, del-e sā:eb-oš aw a-bü

→ «حیوانات»

Ti az aw, jür vāmar

جارو کن-امر جوی آب، آب از قبل

Destroy the lion while he is but a whelp.

علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

Va aw bo-xo, va šāš adar bo-ko

کن-امر بیرون ادرار به، خور-امر آب به

Not caring about the vain talk and blame of others.

کنایه از اهمیت ندادن به حرف‌ها و سرزنش‌های بیهوده دیگران.

Va aw kerda

کردن آب به

Selling forbidden property.

فروختن مال حرام.